

واردات خودرود بدون تأمین ارز رسمی

واردات خودرو و همواره یکی از موضوعات پیچیده بوده است. خودروهای خارجی به دلیل کیفیت، فناوری و تنوع، همواره تقاضای زیادی در بازار داخلی دارند و بسیاری از خانوارها و کسب و کارها علاقه‌مندند که به هر شکل ممکن این کالاها را تهیه کنند. از سوی دیگر، محدودیت‌های ارزی و اختلاف نرخ ارز رسمی و آزاد، واردکنندگان را به سمت روش‌های غیررسمی سوق داده است. روش‌هایی که در ظاهر ممکن است سودآور و منطقی به نظر برسند، اما در واقع اثرات مخرب و گسترده‌ای روی اقتصاد کشورمان دارند. یکی از این روش‌ها واردات خودرو بدون استفاده از ارز رسمی است، یعنی واردکننده به جای تأمین ارز از بانک مرکزی یا منابع رسمی کشور از راه‌های دیگر و غیررسمی برای واردات بهره می‌برد.

در این مدل، واردکننده ممکن است از ارز شخصی خود که در خارج از کشور دارد استفاده کند، یا از مورد نیاز را از منابعی تأمین کند که از صادرات واقعی بازنگشته‌اند یا حتی از روش‌هایی مانند بیش‌اظهاری واردات بهره‌برند. در نگاه اول، ممکن است به نظر برسد که این شیوه‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کنند، زیرا ارز رسمی کشور مصرف نشده است، اما اثرات غیرمستقیم این روش‌ها روی بازار آزاد ارز، تورم، فساد تجاری و اقتصاد کلان بسیار جدی و گاه مخرب است.

یکی از رایج‌ترین روش‌ها، واردات خودرو با استفاده از ارز شخصی واردکننده است، مثلاً یک واردکننده سال‌ها در خارج از کشور فعالیت اقتصادی داشته و دلار یا یورو جمع کرده است. او با استفاده از این ارز، خودرو را خریداری و به کشور وارد می‌کند. وقتی خودرو فروخته می‌شود، ربالی که به دست آمده است دوباره به ارز تبدیل و از کشور خارج می‌شود. در ظاهر، این فرآیند مشکلی برای ارز رسمی ایجاد نمی‌کند، اما در واقع بازار آزاد ارز تحت فشار قرار می‌گیرد و نرخ دلار آزاد افزایش می‌یابد. این افزایش قیمت بر تمامی کالاها و خدمات اثر می‌گذارد و تورم را تشدید می‌کند. بنابراین حتی اگر ارز رسمی بانک مرکزی در این فرآیند نقشی نداشته باشد، اثرات مخرب بر اقتصاد واقعی محسوس است.

روش دوم به استفاده از ارز صادرات کم‌اظهاری مربوط می‌شود. برخی صادرکنندگان کالاها را به خارج از کشور می‌فرستند، اما ارز حاصل از صادرات را به کشور بازمی‌گردانند یا کمتر از مقدار واقعی اعلام می‌کنند. واردکننده خودرو می‌تواند از همین ارزهای غیررسمی استفاده کند. به ظاهر این فرآیند هیچ آسیبی به ارز رسمی وارد نمی‌کند، اما در واقع بازار آزاد ارز را بر قدرت‌تر می‌کند و نرخ دلار آزاد افزایش می‌یابد. این روند باعث تشویق فساد تجاری می‌شود و انگیزه برای کم‌اظهاری ارز در صادرات افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه واردات غیررسمی خودرو، به جای آنکه صرفاً یک فعالیت اقتصادی محدود باشد، به یک چرخه‌ای تبدیل می‌شود که اقتصاد کلان کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روش سوم، واردات با استفاده از بیش‌اظهاری و واردات است. در این حالت، واردکننده مقدار کالا یا خودرو را بیشتر از میزان واقعی اعلام می‌کند تا ارز بیشتری دریافت کند. این ارز اضافی ممکن است برای خرید خودرو یا سایر کالاها استفاده شود. وقتی خودرو فروخته شد، ریال به دست آمده دوباره به ارز تبدیل و از کشور خارج می‌شود. این فرآیند نه تنها باعث افزایش تقاضا در بازار آزاد ارز می‌شود، بلکه انگیزه برای دامنه بیش‌اظهاری و دور زدن مقررات رسمی را نیز تقویت می‌کند. این چرخه هر بار تکرار شود، بازار آزاد ناپایدار تر شده و نرخ ارز آزاد به شدت بالا می‌رود، بدون آنکه ارز رسمی کشور مصرف شده باشد.

اثرات کلی این روش‌ها بر اقتصاد کشور بسیار گسترده است. نخست بازار آزاد ارز تقویت می‌شود و نرخ دلار آزاد افزایش می‌یابد. حتی اگر ارز رسمی استفاده نشده باشد، ربالی که از فروش خودرو به دست آمده است دوباره به دلار تبدیل و از کشور خارج می‌شود. این فشار روی بازار آزاد ارز باعث افزایش قیمت تمام کالاها می‌شود و تورم و تشدید می‌کند، دوم فساد تجاری تشویق می‌شود. کم‌اظهاری صادرات و بیش‌اظهاری واردات، انگیزه سود کوتاه‌مدت را بالا می‌برد، اما باعث کاهش شفافیت و سلامت اقتصادی می‌شود. سوم، ذخایر ارزی کشور کاهش پیدا می‌کند. هر چند خودرو وارد شده است، اما ارز حاصل از فروش دوباره از کشور خارج می‌شود و عملاً منابع ارزی کشور کاهش می‌یابد.

این روندها اثرات بلندمدت جدی روی اقتصاد کلان دارند. با افزایش نرخ ارز آزاد، قیمت تمام کالاها و خدمات افزایش پیدا می‌کند و تورم بالا می‌رود. بانک مرکزی و دولت کنترلی روی بازار ارز ندارند و نرخ ارز آزاد به عامل تعیین‌کننده قیمت تبدیل می‌شود که این وضعیت باعث کاهش اعتماد عمومی می‌شود؛ مردم و کسب و کارها متوجه می‌شوند که نرخ‌های رسمی و مقررات اقتصادی کم‌اثر هستند و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به بازار آزاد وابسته شده است. در این شرایط، حتی سیاست‌های اقتصادی دقیق و برنامه‌ریزی شده نمی‌تواند اثر گذاری لازم را داشته باشد، زیرا بازار آزاد را به‌صورت مستقل عمل می‌کند و هر گونه تصمیم دولت با تأخیر یا اثر محدود مواجه می‌شود.

یکی از نکات کلیدی این است که واردات خودرو به روش غیررسمی، سود کوتاه‌مدت برای واردکننده و زیان بلندمدت برای اقتصاد کشور ایجاد می‌کند. واردکننده شاید بتواند خودرو را با سود بالا بفروشد و ریال حاصل را دوباره به ارز تبدیل و از کشور خارج کند. اما اقتصاد کلان کشور با تورم، ناپایداری بازار ارز و کاهش شفافیت مواجه می‌شود. از سوی دیگر، این روش‌ها باعث تشویق فساد و دور زدن مقررات می‌شوند. هر چه واردکننده‌ها و صادرکننده‌ها موفق شوند با روش‌های غیررسمی سود بیشتری ببرند، انگیزه برای کم‌اظهاری صادرات و بیش‌اظهاری واردات افزایش پیدا می‌کند. این‌چرخه هر بار تکرار شود، به یک فرهنگ اقتصادی ناسالم تبدیل می‌شود که سلامت اقتصاد کلان را تهدید می‌کند. بنابراین حتی اگر در کوتاه‌مدت بازار خودرو و واردکننده سود کنند، در بلندمدت کل اقتصاد کشور ضرر خواهد کرد.

راهکارهای جلوگیری از این وضعیت روشن است. نخست، واردات خودرو و سایر کالاها باید با شفافیت و استفاده از ارز رسمی انجام شود. این امر باعث می‌شود که تقاضای ارز واقعی به بازار رسمی وارد شده و نرخ‌ها در کنترل بانک مرکزی باقی بمانند. دوم، نظارت دقیق بر صادرات و واردات برای جلوگیری از کم‌اظهاری و بیش‌اظهاری ضروری است. سوم، مدیریت بازار ارز و تقویت ابزارهای رسمی مبادله ارز، می‌تواند از نوسانات شدید و جهش‌های ناگهانی نرخ ارز جلوگیری کند. در نهایت، ایجاد فرهنگ اقتصادی سالم که شفافیت و قانونمندی را تشویق کند، برای حفظ ثبات اقتصادی ضروری است.

طبعاً اقتصاد سالم وقتی شکل می‌گیرد که پول‌ها و منابع واقعی در کشور باقی بمانند و بازی‌های کوتاه‌مدت، بلندمدت را خراب نکنند. واردات خودرو و بازار غیررسمی نمونه‌ای از همین بازی کوتاه‌مدت است؛ شاید برای واردکننده جذاب باشد، اما برای کل اقتصاد کشور زیان‌آور است. بنابراین ضروری است که سیاست‌گذاران اقتصادی با ایجاد شفافیت، نظارت دقیق و مدیریت صحیح بازار ارز، شرایطی فراهم کنند که واردات خودرو و سایر کالاها به‌صورت قانونی، شفاف و با استفاده از ارز رسمی انجام شود. این کار باعث کاهش فساد و نوسانات نرخ و کنترل تورم می‌شود و ثبات اقتصادی را تضمین می‌کند.

نهایتاً اینکه واردات خودرو بدون تأمین ارز رسمی یک مسئله پیچیده اقتصادی است که در نگاه اول ممکن است سودآور به نظر برسد، اما اثرات بلندمدت آن بسیار مخرب است.

گزارش یک هادی اسماعیلی

بازار مسکن تهران این روزها در سکوتی نسبتاً طولانی فرو رفته و نگرانی‌ها را بیشتر کرده است، اما این همه ماجرا نیست، رکود این بازار، زنجیره‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را بازتاب می‌دهد که ترکیبی پیچیده از تورم بالا، کاهش قدرت خرید، فشارهای روانی و مشکلات تأمین نیروی ساختمانی است. با این همه، این شرایط قصه بی‌راه‌حلی نیست، بلکه فرصتی برای بازتعریف بازار و اصلاحات بنیادین است. سیاست‌های متغیله‌نا باید جای خود را به برنامه‌های فعال و اثرگذار دهد تا با تمرکز بر تولید متوازن، تسهیل مالی، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و افزایش شفافیت از رکود بیرون بیاید و به ثبات و رشد برسد. وزارت راه و شهرسازی می‌تواند با گام‌های عملی و هدفمند، امکان خانه‌دار شدن را برای اقشار وسیع امکان‌پذیر کند، بنابراین اقتصاد نباید معطل ر ویدادهای بیرونی باشد.

□□□

بازار مسکن تهران در ماه‌های اخیر به گونه‌ای نمایانگر وضعیت پیچیده اقتصاد کلان کشورمان شده که با تورم مزمن و فشارهای روانی و کمبود نیروی کار مواجه است. این عوامل سبب شده‌اند تا معاملات مسکن به شدت کاهش یابند و فضای رکود به مرور عمیق‌تر شود، هر چند قیمت‌ها با روندی کند و گاه متناقض، همچنان به دلیل تورم بالا در سطحی نسبتاً بالاتر باقی ماندند.

حجم معاملات در مناطق مصرفی و نیمه‌لوکس شهر کاهش یافته است؛ این کاهش نشانگر ضعیف تقاضای مؤثر و نه فقط حجم کل تقاضاست. تورم عمومی و رشد قیمت مسکن در تهران حالتی از رکود تورمی را شکل داده که قدرت خرید خانوارها را زیر فشار فرآیندهای گذاشته است. کاهش توان مالی متقاضیان مسکن ناشی از افزایش هزینه‌های زندگی، باعث شده است جریان نقدینگی به سمت بازارهای به اصطلاح مطمئن‌تر مانند ارز و طلا متمایل شود و این خود ضربه‌ای مستقیم به بازار ملک وارد کرده است.

در چارچوب نظری، بازار مسکن کشور در شرایط رکود تورمی به سر می‌برد؛ به این معنا که قیمت کالا (مسکن) افزایشی است، ولی حجم خرید و فروش کاهش یافته که این برخلاف مدل بازارهای سالم است. این وضعیت به دلیل تورم بالای در اقتصاد کلان و کاهش درآمد واقعی خانوارها پیش آمده است. فعالان حوزه ساخت و ساز ادعان دارند قیمت مسکن در مقایسه با توان خرید مردم به‌صورت واقعی کاهش یافته است و خروج پیمانکاران و سازندگان از این صنعت به دلیل افزایش مخاطرات اقتصادی باعث

رکود عمیق بازار مسکن تهران فرصت برای رشد دارد

علاج رکود تورمی بازار مسکن پایتخت در پاستور است

با کاهش چشمگیر معاملات و هجوم نقدینگی به ارز و طلا، بازار مسکن حال خوبی ندارد

اما سیاست‌های فعال و مدیریت داخلی می‌تواند مسیر رونق را بازگرداند



مسکن می‌تواند به آن دست یابد. مهم‌ترین شرط، خروج دولت از وضعیت انفعال و آغاز سیاست‌های هدفمند و مؤثر است. اعطای تسهیلات مالی مناسب و گسترده به خانوارها، ایجاد شرایط تشویقی برای سرمایه‌گذاران خرد، مالیات‌گذاری بر خانه‌های خالی و سفته‌بازی و تقویت تولید مسکن انبوه و متوازن از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند. همچنین، استفاده از فناوری‌های نوین در ساخت‌وساز، ولی معاملات آفت می‌کنند؛ دوم، افزایش قیمت‌ها و رشد نسبی معاملات است، اما باید توجه داشت که حتی در سناریوی بهبود، بدون افزایش قدرت خرید خانوارها، رونق پایدار شکل نخواهد گرفت.

علاوه بر ایجاد اقتصادی، تأثیرات اجتماعی این رکود نیز قابل توجه است. افزایش نرخ اجارنشینی و کاهش نرخ مالکیت خانوارها طی سال‌های اخیر، نشانه‌ای از افزایش دشواری‌های دسترسی به مسکن است. تمرکز مالکیت در دست سرمایه‌گذاران بزرگ و تضعیف نقش خانوارهای متوسط و پایین، شکاف طبقاتی را بازتر کرده و به ترسیم چالش‌های تازه‌ای در حوزه عدالت اجتماعی انجامیده است.

با این حال، چشم‌انداز روشنی وجود دارد که بازار

ایجاد جذابیت بیشتر بازار و کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری خواهد شد. حمایت از پیمانکاران داخلی و افزایش همکاری بخش خصوصی با دولت، می‌تواند مسیر رونق پایدار را هموار سازد. ضمناً باید تأکید کرد که اقتصاد نباید معطل تحولات بین‌المللی بماند، هر چند کاهش تحریم‌ها می‌تواند به بازار مسکن کمک کند، اما چشم‌انداز بلندمدت نیازمند اصلاحات ساختاری در داخل کشور است. بازسازی اعتماد عمومی، شفافیت عملکردها و اولویت‌بندی حمایت از تولید و مصرف واقعی، کلیدهای اصلی توسعه بازار مسکن و تحقق رویای خانه‌دار شدن برای نسل‌های آینده خواهد بود.

بازار مسکن تهران در شرایط فعلی با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و کوتاه‌مدت دست‌به‌گریبان است که در نگاه نخست، پیچیدگی و دشواری‌هایی را به تصویر می‌کشند، اما این چالش‌ها در دل خود فرصت‌های پیشرفت و تحول را نیز دارند. یکی از دلایل مهم رکود، فاصله معنادار بین توان مالی اقشار متوسط و قیمت مسکن است؛ عاملی که باعث شده است تقاضای حقیقی بسیاری از خانواده‌ها از بازار خارج شود. این شکاف بر پایه مشکلات درآمدی است



تقویت تولید مسکن متوازن و مقاوم، توسعه فناوری‌های نوین ساختمانی و حمایت از پیمانکاران داخلی، پایه‌های بلندمدت رشد پایدار بازار مسکن است که امید به خانه‌دارشدن اقشار متوسط را تقویت می‌کند

و ریشه در دلایل پیچیده‌تری چون تورم مزمن، رشد نامتوازن قیمت‌ها و ناامنی‌های روانی دارد.

دولت باید با اتخاذ سیاست‌هایی فراگیر و علمی به کاهش این شکاف کمک کند. به طور مثال، گسترش ابزارهای مالی مناسب و متنوع، مانند اعطای وام‌های بلندمدت با بهره‌های کمتر و بازپرداخت آسان، می‌تواند خرید مسکن را برای خانوارها عملی‌تر کند. همچنین حمایت از صندوق‌های پس‌انداز مسکن و تشویق مردم به برنامه‌ریزی مالی مدون، نقش مهمی در کاهش بار مالی خانه‌دارشدن دارد.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که عرضه مسکن نیز باید با تقاضای واقعی هماهنگ و متناسب باشد. کمبود حدود ۲/۶ میلیون واحد مسکونی در سطح کشور نشان‌دهنده نیاز مبرم به افزایش تولید است. برای رسیدن به این هدف، لازم است موانع ساخت و ساز حذف شوند؛ تسهیل دریافت زمین، کاهش دیوانسالاری اداری و سرمایه‌گذاری هدفمند در فناوری‌های نوین ساختمانی از جمله راهکارهای اثربخش هستند. به‌کارگیری روش‌های ساخت سریع و ارزان‌تر، بدون قربانی کردن کیفیت، می‌تواند حجم تولید را افزایش دهد و هزینه‌ها را کنترل کند.

اجارنشینی به عنوان یک پدیده اجتماعی و اقتصادی نیز توجه ویژه می‌طلبد. افزایش نرخ اجاره‌بها به عنوان یکی از پیامدهای رکود مسکن، فشار اقتصادی را بر مستأجران وارد کرده و امنیت مالی آنها را کاهش داده است. سیاست‌های حمایتی نظیر تعیین سقف‌های معقول برای اجاره‌بها، مالیات بر خانه‌های خالی و تشویق به ساخت مسکن اجاره‌ای، می‌تواند این فشار را کاهش دهد و بازار اجاره را متعادل کند.

موضوع دیگری که باید به آن پرداخته شود، افزایش شفافیت و کاهش سفته‌بازی در بازار مسکن است. وجود معاملات غیرشفاف و حضور سرمایه‌گذاران سوداگر، مشکلات جدی ایجاد کرده است و مانع شکل‌گیری بازاری پایدار می‌شود. اعمال قوانین مالیاتی دقیق و نظارت مستمر، می‌تواند به بهبود این وضعیت کمک کند.

در نهایت اینکه اقتصاد مسکن نباید معطل عوامل بیرونی بماند، شاید رفع تحریم‌ها فرصتی ممتازی باشد، اما در کوتاه‌مدت نمی‌توان به آن تکیه کرد. باید به جای آن، با استفاده از ظرفیت‌های داخلی بهره برد، اصلاحات ساختاری را پی گرفت و با سیاست‌های درست اقتصاد مسکن را به مسیر درست بازگرداند. زیرساخت‌های اقتصادی، قوانین حمایتی شفاف، مدیریت کارآمد منابع و توسعه فناوری‌های ساخت و ساز، کلید بازگشت آرامش و رونق به بازار مسکن تهران و کل کشور خواهند بود.



دولت به خودش در اجرای برنامه هفتم نمره «خوب» داد

معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه نظارت بر برنامه هفتم پیشرفت اقدامات انجام شده در سال اول این برنامه را «خوب» ارزیابی کرد.

گزارش رسمی این جلسه که از سوی پایگاه اطلاع‌رسانی دولت منتشر شده، حاکی از آن است طی آن گزارش‌ی از اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت در سال اول ارائه شد. این گزارش شامل برش احکام برنامه به ۲۳۷۹ حکم، تهیه سامانه‌های لازم، مدیریت و برنامه‌ریزی ناظران اجرایی، پیگیری تدوین پیش‌نویس آیین‌نامه‌ها و مقررات، ابلاغ دستورالعمل‌های لازم برای تهیه برنامه عملیاتی، تعیین مسئولان اجرای تکالیف، تعیین برش سالانه اهداف کمی، اولویت‌بندی احکام قانون برنامه هفتم پیشرفت و همچنین گزارش ناظران مالی و اجرایی بود.

در ادامه جلسه، سیدحمید پورمحمدی، رئیس سازمان محمدرضا عارف در این جلسه با تأکید بر عملکرد سال اول برنامه هفتم پیشرفت گفت: اقدامات بسیار خوبی در سال نخست اجرای این برنامه انجام شده است که باید از سوی دستگاه‌های اجرایی ادامه یابد. همچنین گزارشی از اجرای تکالیف دستگاه‌های اجرایی براساس ماده ۱۱۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، وزارت دادگستری، سازمان برنامه و بودجه، سازمان اداری و استخدامی و سازمان فنی و حرفه‌ای کشور ارائه شد و درباره این گزارش‌ها بحث و تبادل نظر

و سایر نهادهاست، اما این هماهنگی در عمل کمتر مشاهده شده است. بسیاری از واحدها هنوز بلااستفاده‌اند و سرمایه‌گذاران با مشکلات متعدد مواجه‌اند. بدون مدیریت فعال و نظارت دقیق، بازسازی واحدها غیرممکن است.

بعد از گذشت یک‌سال، جامعه انتظار دارد معاونت توسعه روستایی گزارش عملکرد واقعی ارائه کند که چه تعداد واحد صنعتی بازسازی شده‌اند؟ چه میزان اقدام باعث افزایش تولید، اشتغال و اعتماد عمومی خواهد شد و فرصت‌های از دست رفته را بازی می‌گرداند.

با وجود مشغله‌های فراوان رئیس‌جمهور در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی، این نباید باعث شود که معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم از برنامه‌ها و پیگیری واحدهای صنعتی را کد غافل بماند. مناطق روستایی، پایه‌های اقتصاد ملی هستند و نادیده گرفتن آنها، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جدی به همراه دارد. بیکاری، کاهش تولید، مهاجرت از روستاها به شهرها و کاهش امید در میان جوانان، همه حاصل عدم توجه کافی به این بخش است.

رئیس‌جمهور ممکن است مشغله‌های بسیاری داشته باشد، اما مسئولیت اجرایی و نظارتی بر معاونت توسعه روستایی ایجاب می‌کند که این حوزه در اولویت باشد. بدون اقدام عملی و ارائه گزارش عملکرد ملموس، وعده‌ها تنها در حد شعار باقی خواهند ماند و مردم شاهد تغییر واقعی نخواهند بود.

خاصه آنکه واحدهای صنعتی را کد، فرصت‌های از دست رفته‌ای هستند که می‌توانستند موتور رشد اقتصادی کشور باشند. اکنون زمان آن رسیده که به جای شرح موقع، گزارش عملکرد عملیاتی ارائه شود و ظرفیت‌های صنعتی به چرخه تولید بازگردند.



متنوع و اعلام برنامه‌های اجرایی متفاوت، بخش قابل توجهی از فعالیت این معاونت بوده است، اما پس از گذشت یک سال، هنوز گزارش عملکرد ملموس و عملیاتی ارائه نشده است. مشکل اصلی این است که تمرکز این معاونت بیشتر روی شرح ماقع، ارائه برنامه و سخنرانی‌ها بوده و کمتر بر عمل واقعی و بازسازی واحدها تمرکز شده که این رویکرد موجب هدررفت منابع و از دست رفتن فرصت‌های اشتغال شده است. وعده‌ها فراوان، اما نتیجه ملموس اندک است.

معاونت توسعه روستایی مدعی است در تلاش برای ایجاد هماهنگی بین وزارت صمت، ستاد تسهیل



بعد از گذشت یک‌سال، جامعه انتظار دارد معاونت توسعه روستایی گزارش عملکرد واقعی ارائه کند که چه تعداد

واحد صنعتی بازسازی شده‌اند؟ چه میزان اشتغال ایجاد شده و چه میزان تولید به چرخه اقتصاد باز گشته است؟

بعد از گذشت یک سال، زمان آن رسیده است که

معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم، به جای شرح ماقوع و بازگویی برنامه‌ها، گزارش عملکرد واقعی ارائه کند. اینکه اعلام شود بیش از ۱۲ هزار واحد صنعتی کشور که بیش از ۲۰ سال از دریافت پروانه بهره‌داری‌شان می‌گذرد، همچنان را کد یا نیمه‌فعال باقی مانده‌اند، چه دردی از مردم دوا می‌کند؟ و چه کسی مسئول بهبود این وضعیت است، جز دولت و معاونت توسعه روستایی؟

□□□

براساس آمار رسمی، بیش از ۱۲ هزار واحد صنعتی کشور با بیش از ۲۰ سال سابقه بهره‌برداری، همچنان را کد یا نیمه‌فعال هستند. این کارخانه‌ها که روزگاری موتور محرک اقتصاد محلی و اشتغال بودند، اکنون خاک می‌خورند و سرمایه‌ها بدون استفاده مانده‌اند. این وضعیت به ویژه در مناطق محروم، تبعات اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی دارد.

معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم، از سال گذشته، با مدیریت جدید طی طریق می‌کند و سفرهای رنگارنگ، جلسات متعدد، نشست‌های